

اعلامیه شماره ۵ کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری

تن دادن به برنامه کودتاجیان راه مقابله با خطر «فاشیسم مذهبی» در ایران نیست

هم میهنان آگاه! ایران ما این روزها در وضعیت بسیار بحرانی و حساسی به سر می برد. انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در شرایط و احوالی کاملاً غیر عادی و بی سابقه‌ی برگزار شد. کودتای سازمان یافته نیروهای سپاه پاسداران و بسیج، زیر فرمان رهبر، انتخابات را از مسیر خود خارج کرد و با ابطال رأی میلیون ها ایرانی شرایط را برای کامل کردن برنامه ای

ادامه در صفحه ۲



شماره ۷۱۵، دوره هشتم
سال بیستم، ۳۱ خرداد ماه ۱۳۸۴

گزارشی از کنفرانس سالانه

«سازمان جهانی کار»

ژنو، خرداد ۱۳۸۴

حمایت جهانی از فعالان

سندیکایی ایران

شورای رهبری «مرکز جهانی حمایت از حقوق سندیکائی»، در ۲۱مین اجلاس سالانه خود که در جریان کنفرانس «سازمان جهانی کار»، در مقر این نهاد وابسته به سازمان ملل، در شهر زیبای ژنو، در سوئیس برگزار شد، حمایت خود را از مبارزه فعالان کارگری «شرکت واحد اتویوس رانی تهران» برای ایجاد سندیکای مستقل اعلام کرد. هیئت فعالان ترفیخواه سندیکائی ایرانی که در اجلاس شرکت داشت با توضیح شرایط کار و مبارزه فعالان کارگری مدافع حقوق سندیکایی در ایران، این مرکز جهانی را به همبستگی فعال با کارگران ایران فرا خواند. در بحث های اجلاس شرایط دشوار کار سندیکا های کارگری در ایران و سرکوب روزمره تشکل های کارگری مستقل توسط دولت و نهاد های وابسته به دولت نظیر «شورا های اسلامی کار» و «خانه کارگر» مورد توجه قرار گرفت. نشریه «حقوق سندیکایی بین المللی» در شماره ویژه ماه مه امسال خود در

ادامه در صفحه ۱۲

آشفته اندیشی سیاسی – نظری در برخورد با دگراندیشان و نظرات حزب ما

بحث بر سر شرکت و یا تحریم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مسایل جدی و در خودر تأملی را درباره ارزیابی شرایط حاد و فوق العاده حساس کشور و همچنین روابط و برخوردهای احزاب و سازمان های سیاسی موافق و مخالف به همراه داشت که بررسی آن بی شک ضروری است. یکی از ویژگی های این برخوردها رشد کارزار توده ای ستیزی نوینی بود که در موضع و برخوردهای قلمی و همچنین مصاحبه ها و اظهار نظرهای افراد و نمایندگان احزاب و سازمان های سیاسی جلب نظر می کرد. بحث شرکت و یا تحریم انتخابات به بهانه یی برای صف کشی و طرح مجدد مدعیات کهنه تبدیل شد و فضای فوق العاده ناسالمی را در برخورد سازمان ها، احزاب و شخصیت های سیاسی - اجتماعی که نظرات خود را در این زمینه بیان می کردند، حاکم کرد. نکته قابل توجه دیگر تغییر و تحولات در لایه بندی های نظری و جابجا شدن سازمان ها و شخصیت ها در مواضع و نظراتی بود که در گذشته یی نه چندان دور به آن اتکاء داشتند. به عنوان نمونه کسانی که در گذشته یی نه چندان دور مدافع سر سخت

ادامه در صفحه ۶، ۷ و ۸

اعلامیه شماره ۴ کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری ص ۳

اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری ص ۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تظاهرات زنان قهرمان میهن ص ۵

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه اعلامیه شماره ۵ کمیته مرکزی حزب ...

کامل اهداف این اقدام شدیداً ضد مردمی و ضد آزادی های محدود به دست آمده است. بازیگر دیگر این عرصه شوم و نفر دوم نامزد ریاست جمهوری فردی گوش به فرمان و قشری است که اگر خود از طراحان و گردانندگان صحنه نباشد شریک جرم آشکار کودتای نظامی-ولایی است.

تهدیدها و حملات شدید رهبر به کروی، نشان دادن مشت آهنین در تعطیل روزنامه های اعتماد، آفتاب یزد و اقبال و تشدید جو فشار و اختناق در دانشگاه های کشور حاکی از دورخیز مرتجعان برای مراحل بعدی است.

قبول برگزاری دوره دوم انتخابات، یعنی قبول همه تقلبات انجام شده و گردن نهادن به کودتای نظامی - ولایی انجام شده در دور نخست انتخابات ریاست جمهوری است.

سید محمد خاتمی در بیانیه یی که امروز منتشر شد از جمله گفت: «در موقعیت خطیر کنونی، از شما می خواهم که با استمرار حضور آگاهانه و با رای بالا، رییس جمهوری در شان ملت ایران انتخاب نمایید.» وی همچنین مدعی شد که «اینجانب با اتکاء به قانون اساسی به ملت ایران اطمینان می دهم که سلامت روند رای گیری، دغدغه و هدف اصلی من است و با جدیت این مهم را دنبال خواهم کرد. دولت اجازه نخواهد داد هیچ نیرویی رای و اراده ملت را به مخاطره افکند.»

در پاسخ به این مدعیات باید گفت که تأسف در این جاست که دولت آقای خاتمی با مماشات و تن دادن به قواعد بازی سیاسی در عرصه حکومت ولایی کار را به اینجا رسانده اند و دوم اینکه اگر دولت خاتمی به قول های خود در زمینه حراست از آرای مردم پایبند بود امروز به جای انتشار این اعلامیه اعلام می کرد که انتخابات در دور اول مخدوش بوده است و دولت او حاضر نیست دور دوم این انتخابات مخدوش را زیر فشار چکمه پوشان ولی فقیه برگزار کند. آقای خاتمی چگونه می تواند قول سلامت انتخابات را بدهد وقتی که همه مردم ما و جهان خلاف آن را در شمایل تقلبات آشکارای چند روز پیش دیده اند.

هم میهنان گرامی!

در توضیح ضرورت رأی دادن به رفسنجانی شماری از نیروها و شخصیت های سیاسی - اجتماعی وضعیت امروز ایران را با فرانسه و انتخابات این کشور مقایسه می کنند. مقایسه شرایط امروز ایران با انتخابات فرانسه و یا دیگر کشورهای جهان که در آن دموکراسی بورژوازی نهادینه شده است درک نادرست اوضاع حساس کشور و نمونه برداری نادرست تاریخی است. آنچه امروز پیش روی مردم قرار دارد نه انتخاب بین «شیراک» و «لوپن» بلکه تنها و تنها مهر تأیید زدن بر کودتای انتخاباتی است که سران رژیم توانستند با بهره جویی از اختلاف در صف نیروهای مردمی و اتخاذ روش و شعارهای غیر واقع بینانه و ناصحیح به دست آورند.

مقابله با استبداد از طریق مهر تأیید زدن بر سیاست های کودتایی آن ممکن نیست. حزب توده ایران در هفته های پیش از برگزاری نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با طرح سیاست ضرورت مقابله با برنامه یکدست شدن حاکمیت ارتجاع معتقد بود که باید با بسیج نیروهای مردمی راه را برای ادامه روند اصلاحات گشود. ادامه این سیاست امروز می تواند در سازماندهی امر مقابله با کودتای نظامی - ولایی، عدم قبول و تن ندادن به نتیجه خیانت بار این حرکت ضد مردمی تجسم و تبلور پیدا کند. دور دوم انتخابات حتی فاقد «قانونیتی» است که رژیم ولایت فقیه طبق قوانین جاری خود به آن تظاهر می کند. نمی توان با قبول نتیجه دور اول انتخابات که محصول کودتای نظامی - ولایی است دور دومی را برگزار کرد. فاشیسم با گذشت ها و عقب نشینی هایی از این دست پا می گیرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱ خرداد ماه ۱۳۸۴

روند اصلاحات را تهدید می کرد در کمال تأسف امروز آنچه شرایطی را فراهم آورده است که شماری از تحریم کنندگان و حتی مدافعان جبهه دموکراسی و حقوق بشر هراسناک از استقرار حکومت طالبان شعار «حمایت از هاشمی» را به عنوان راه حل باقی مانده در راه عقیم گذاشتن برنامه های رژیم عنوان می کنند.

سکوت کامل دولت خاتمی درباره عملکرد کودتاچیان و همچنین شتاب نیروهایی همچون جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی برای طرح موضع گیری هایی در دفاع از رفسنجانی، در حالی که ستاد انتخاباتی دکتر مصطفی معین خواهان «رسیدگی به تخلفات انتخاباتی و تعویق دور دوم انتخابات» بود و کروی ولی فقیه و خانواده او را به دست داشتن در این کودتا متهم می کرد، بی شک سؤال برانگیز و نشانگر اختلاف های جدی و تأسف بار در سطح نیروهای اصلاح طلب در مقابله با فاجعه رخ داده است. این برخوردها در عین حال یادآور سیاست های نادرست و مخرب سازش و مماشات با ارتجاع حاکم است که ثمره اش همین دشواری هایی است که ما امروز در مقابل آن قرار گرفته ایم.

حزب توده ایران مخالف سرسخت و تسلیم ناپذیر روی کار آمدن «فاشیسم مذهبی» از نوع حکومت طالبان در ایران است. بی شک باید با تمام توان با این برنامه خطرناک ارتجاع، که در انتها، همان طور که ماه ها پیش گفتیم هدف اساسی اش سرکوب سنگین و قطعی روند اصلاحات و نیروهای اصلاح طلب در ایران است، مبارزه کرد.

ورود معین به صحنه انتخابات و امکان راه یافتن نامزدهای طیف وسیع جبهه اصلاح طلبان به دور دوم و یا پیروزی یکباره یکی از آنها در دور اول نگرانی های جدی یی را برای سران ارتجاع، که خواب پایان دادن به «عائله اصلاحات» را می دیدند، به وجود آورد. هدف از کودتای سازمان داده شده توسط سپاه پاسداران، بسیج و زیر نظر رهبر و شورای نگهبان، نخست شکستن آرای نیروهای اصلاح طلب و سپس حذف همه نمایندگان جبهه اصلاحات و محدود کردن دور دوم انتخابات به نامزدهای رسمی رژیم و یا «اصولگرایان» بود.

تقلبات وسیع انتخاباتی و حذف آرای اصلاح طلبان، و همچنین بهره برداری از عدم حضور بخش وسیعی از حامیان نامزدهای اصلاحات، در مجموع شرایطی را پدید آورد که سران ارتجاع بتوانند در یک عمل سازمان یافته و با جابجایی میلیون ها رأی چهره یی قشری و کمر بسته ولایت همچون احمدی نژاد را در کنار هاشمی رفسنجانی، یعنی نامزد رسمی جامعه روحانیت مبارز (ارتجاعی ترین گروه بندی روحانیون حاکم شامل کسانی همچون مهدوی کنی، مشکینی، جنتی و دیگران)، به مرحله دوم انتخابات بکشانند. بر این اساس باید گفت که برنامه ارتجاع تا اینجا با موفقیت پیش رفته است.

برخی مدعی اند که رفسنجانی بخشی از این برنامه نبوده است و لذا باید با حمایت از او جلوی تکمیل کودتا را گرفت. برای روشن شدن این مسأله دو امکان را می توان بررسی کرد. نخست آنکه این کودتا بدون اطلاع رفسنجانی صورت گرفته است و او مخالف این روند است که در آن صورت او باید ضمن اعتراض شدید به این تقلبات آشکار و غیر قانونی، حتی در چارچوب قوانین جاری مملکت، از شرکت در ادامه این برنامه خودداری کند و یا او خود نیز بخشی از این برنامه است و برنامه ریزان این کودتا کار را «به مرگ گرفته اند تا مردم به تب راضی شوند». در این صورت ادامه این روند تنها یک معنا می تواند داشته باشد و آن کمک به حرکت سازمان یافته کودتاچیان برای تحقق

اعلامیه شماره ۴ کمیته مرکزی حزب توده ایران

ضرورت مبارزه سازمان یافته و منسجم با انتخابات مخدوش و تقلب گسترده نیروهای

نظامی و مرتجعان حاکم

مبارزه دشوار و قهرمانانه میلیون ها ایرانی برای تحمیل خواست خود مبنی بر ادامه روند اصلاحات و اعتراض به ارتجاع و رژیم استبدادی حاکم، در جریان نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، با تلاش گسترده و دخالت آشکار و سازمان یافته نظامیان رژیم ولایت فقیه و تقلب های گسترده در شهرها و شهرستان ها وارد مرحله تازه ای شد. بر اساس گزارش های رسیده افزون بر کارزار گسترده خرید و فروش شناسنامه ها در شب قبل از انتخابات، در بسیاری از مراکز نیز رای های تقلبی در سطح گسترده ای به صندوق ها ریخته شد تا نامزدهای مرتجعان حاکم به دور دوم انتخابات راه بیابند. ارتجاع حاکم هراسناک از پیروزی نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر همه امکانات خود را به کار گرفت تا نگذارد رای واقعی مردم به کرسی بنشیند. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مهدی کروبی، نامزد «مجمع روحانیون مبارز» انتخابات ریاست جمهوری را مخدوش دانست و خواستار تشکیل هیاتی برای بررسی این موضوع شد. وی مدعی شد که سپاه پاسداران و بسیج در امر انتخابات دخالت کرده است و همچنین با اشاره به خبر روزنامه کیهان مبنی بر راه یابی احمدی نژاد و هاشمی رفسنجانی به مرحله دوم انتخابات، قبل از شمارش آرا گفت: «اینها مراکز غیب گویی هستند که پیشاپیش خبر میدهند و با شبکه های اصلی و پیچیده مرتبط هستند.» دکتر ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی، نیز ضمن اعتراض به تقلب های گسترده خواستار اعتراض مردم به این اقدام های غیر قانونی شد. وی با اشاره به بالا رفتن آرای احمدی نژاد با وجود نظر سنجی های صورت گرفته گفت: «اینکه یک فردی که هیچ فعالیت انتخاباتی نداشته و بر اساس نظر سنجی ها در جایگاه پایین قرار داشته به یک باره در صدر قرار می گیرد جای تامل دارد.» دکتر مصطفی معین، نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر نیز با انتشار بیانیه ای ضمن اعتراض شدید و هشدار درباره رشد فاشیسم نظامی از جمله اعلام کرد: «من اعلام می کنم آنچه به وقوع پیوست، اقدامی غیرقانونی برای محروم کردن یک کاندیدا از حق خود و بر کشیدن کاندیدایی دیگر بود. من اعلام می کنم با این اقدام زنگ خطر برای دموکراسی نوپای ما به صدا درآمده است. هوشیار باشیم که این قبیل تلاشهای پیچیده و خزننده نهایتاً در این کشور سر از نظامی گری، اقتدار گرایی و خفقان سیاسی اجتماعی در خواهد آورد. این روند تهدیدی برای جامعه مدنی و انسداد راه اصلاحات است... خطر فاشیسم و از میان رفتن نقش مردم و خطر حذف جمهوریت را با هر نام و سازمان دیگر جدی بگیریم... من هشدار می دهم که این دخالت سازمان یافته نظامی و نظارتی تبعاتی دارد فراتر از تضییع حق کسانی که به من و امثال من رأی داده اند. اعلام می کنم این تهدیدی است برای رأی مردم و انتخابات آزاد»

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۲۴ خرداد ماه خود ضمن اشاره به یورش به ستاد های انتخاباتی دکتر معین و همچنین جریان بمب گذاری های مشکوک نسبت به خطر جدی تقلب وسیع در انتخابات هشدار داده بود. ما در عین حال در این اعلامیه اشاره کرده بودیم که ادامه کارزار تحریم از سوی شماری از نیروهای سیاسی تنها می تواند به نفع سیاست ها و برنامه مرتجعان حاکم باشد که به شدت از پیروزی نامزد جبهه

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۹ خرداد ماه ۱۳۸۴

اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات ریاست جمهوری

باید دگر باره حماسه پی آفرید!

دست در دست هم برای شکست نامزد مشترک تاریک اندیشی و ارتجاع

هم میهنان مبارز!

با نزدیک شدن روز رای گیری انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم همه امکانات خود را به کار گرفته اند تا با ایجاد جو رعب و وحشت و در عین حال فراهم آوردن زمینه برای حضور و دخالت بیش از پیش نیروهای سرکوب گر نظامی و شبه نظامی برنامه روی کار آوردن نامزد مشترک ارتجاع را با موفقیت به انجام برسانند. بمب گذاری های مشکوک در اهواز و تهران، که به کشته و مجروح شدن شمار زیادی از شهروندان منجر شد، یورش و ضرب و شتم سخنگویان ستاد انتخاباتی دکتر معین، در شهرهای مختلف، یورش به پایگاه های اینترنتی طرفداران اصلاحات و همچنین تدارکات وسیع برای تقلب گسترده انتخاباتی در شهرهای کوچک و شهرستان ها همه بخشی از توطئه مشترک محافظان ارتجاعی برای شکست نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر است. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این ترندهای جنایتکارانه معتقد است که باید در کمال هوشیاری با آنها مقابله کرد. پورمحمدی، معاون علی فلاحیان، و از اعضای دفتر علی خامنه ای، در مصاحبه افشاگرانه پی به روشنی اعلام کرد که سران رژیم به شدت از عاقبت کار و پیروزی نامزد جبهه اصلاحات نگرانند. پورمحمدی در این مصاحبه می گوید: «دغدغه این است که معین با حمایت خارجی و افرادی که با انقلاب زاویه دارند به دور دوم برود. اگر معین به دور دوم برود خطر جدی است.» در اخبار همچنین آمده بود که در پی اعلام حمایت «جامعه روحانیت مبارز» و جمعی از «مدرسین حوزه علمیه قم» دستور داده شده است تا هزاران تن از طلاب حوزه علمیه قم، برای تبلیغ و کمک به ستاد انتخاباتی رفسنجانی، به شهرستان ها و روستاهای کشور اعزام شوند. با وجود شرکت چهار نامزد گوناگون وابسته به مرتجعان حاکم آنچه از هم اکنون روشن است این است که همه تلاش ها و امکانات در راه به پیروزی رساندن هاشمی رفسنجانی به کار انداخته شده است. تحقق این برنامه بی شک ضربه پی به جنبش آزادی خواهی و روند اصلاحات در میهن ماست. موكداً تکرار می کنیم که حضور کم سو و ضعیف مردم و نیروهای مردمی در پای صندوق های رای تنها به نفع نامزد رژیم ولایت فقیه و کمک به روندی است که انتهای آن می تواند سرکوب بیش از پیش جنبش را به همراه داشته باشد. بر خلاف نظریات داده شده و تبلیغات گمراه کننده سران رژیم، مرتجعان به شدت از شرکت سازمان یافته و منسجم مردم هراسناک اند. همچنان که در جریان حماسه دوم خرداد حضور بیست میلیونی مردم به «نه» تاریخی به نامزد رژیم ولایت فقیه، یعنی ناطق نوری منجر شد سران رژیم خوب می دانند که در صورت حضور توانمند مردم امکان پیروزی نامزد انتخاباتی آنان به شدت تقلیل یافته و امکان شکست سنگینی تهدیدشان می کند. بر خلاف همه تحلیل ها و نظرات ارائه شده سران رژیم به هیچ وجه نگران «سلب مشروعیت شان» به خاطر پایین بودن آراء مردم نیستند. تجربه انتخابات مجلس هفتم و پیش از آن انتخابات شوراهای شهر و روستا، که در آن سران ارتجاع توانستند با آرای بسیار اندکی گماردگان خود را بر این نهادها حاکم کنند، نمونه گویایی از نادرستی چنین تحلیلی است. افزون بر این سران رژیم سالهاست

که بی محابا اعلام کرده اند که مشروعیت خودشان را «الهی» می دانند و تنها «مقبولیت شان» است که به رای مردم بستگی دارد.

هم میهنان آگاه!

امروز در مقابل همه ما وظیفه حساس و دشواری قرار گرفته است. رژیم ولایت فقیه سد اساسی تحول، سد اساسی رسیدن به دموکراسی و حقوق بشر و عامل اساسی مشکلات بزرگ اجتماعی - اقتصادی، فقر و محرومیت گسترده پی است که بر میهن ما حاکم است. تنها با طرد این رژیم و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار قدرت سیاسی کشور است که می توان به رهایی و بازسازی میهن امیدوار بود. این امر نیز ممکن نیست جز با سازمان دهی وسیع و اتحاد عمل همه نیروهای اجتماعی و همه نیروهای سیاسی مدافع آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی. جنبش مردمی در هشت سال گذشته در بوته آزمایش بزرگ سرکوب، فشارهای پی در پی و یورش های مداوم مرتجعان تجربه های گرانبهایی را آموخته و این توان و آمادگی را دارد که بار دیگر در آزمونی بزرگ و حساس که پیش رو دارد با تمام توان حماسه پی دیگر خلق کند. ما ضمن غیر دموکراتیک دانستن انتخابات پیش رو در عین حال معتقدیم که پیروزی نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر در این مضاف می تواند گامی مهم در نبرد دشوار پیش رو برای تغییر ساختار قدرت سیاسی در ایران و حرکت به سمت آزادی و دموکراسی باشد. باید دست در دست هم نامزد مشترک ارتجاع و تاریک اندیشی را با شکست تاریخی دیگری روبه رو کرد. نباید به مشتی تاریک اندیش مردم ستیز اجازه داد تا حرکت به سمت آینده پی آزاد و رها از بندهای دیکتاتوری را با به کار گیری انواع و اقسام ترندها و برنامه ها کند و یا متوقف نمایند. شکست نامزد اصلاح رژیم ولایت فقیه در پای صندوق های رای وظیفه پی است مهم و حساس که باید با تمام توان در راه تحقق آن کوشید. تجربه دولت اصلاحات در هشت سال گذشته و همراه آن دریافت توده ها از این تجربه، اندوخته گرانبهائی را به همراه آورده است و آن این است که در اوضاع و احوال حاکم بر میهن ما برای مقابله با قدرت استبداد به اهرم نیرومند حضور و پشتیبانی فعال نیروهای اجتماعی از هر برنامه و حرکت مترقی و تحول ساز نیاز است. اینک میهن ما در جو و فضای سیاسی استثنائی پی قرار گرفته است که در آن طیف وسیعی از نیروهای مدافع آزادی و طرفدار تحولات دموکراتیک دکتر معین را به عنوان نامزد مشترک خود برگزیده اند و در عین حال آگاهی و تعهدشان را نسبت به کار گیری اهرم نیروهای اجتماعی در مقابله با رژیم ولایت فقیه، در برنامه انتخاباتی خود، اعلام کرده اند. حزب توده ایران، حتی در شرایط محدودیت های سیاسی موجود در کشور معتقد است که انتخاب نامزد مشترک جبهه واحد دموکراسی و حقوق بشر به عنوان رئیس قوه مجریه، و تلاش در راه تحقق تعهدات دموکراتیک سپرده شده می تواند گام بلندی در راه زمینه سازی تحولات بنیادین در میهن ما باشد. حزب توده ایران از همه اعضای و هواداران خود و همه مردم تشنه تحولات و تغییرات سازنده در میهن دعوت می کند که قدرت و توان خود را در خلق حماسه پی تاریخی بار دیگر به نمایش بگذارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۴

مبارزه مردم بولیوی بر ضد نولیبرالیسم

عصر روز ۱۹ خرداد، پس از سه هفته قیام و تظاهرات گسترده، سرانجام رییس جمهوری، بولیوی، «کارلوس مسا»، وادار به استعفا شد و رییس قوه قضاییه کشور، «ادواردو رودریگز»، پست ریاست جمهوری را به طور موقت در اختیار گرفت.

مردم بومی مناطق «آی مارس»، «کوچاس» و «گورانی» با پشتیبانی وسیع کارگران و کشاورزان وارد خیابان های پایتخت، «لاپاز» شدند و دو خواست مهم و اصلی خود یعنی ملی کردن صنعت نفت (گاز) و انجام انتخابات جدید و پیش از موعد را در برابر دولت قرار دادند.

بولیوی با جمعیت ۹ میلیونی، در حالی که از نظر منابع گاز طبیعی بسیار غنی است، و پس از ونزوئلا غنی ترین منابع گاز را در منطقه دارا است، فقیرترین کشور آمریکای جنوبی محسوب می شود. اما شرکت های فراملیتی نظیر «رئپول»، «بریتیش پترولیوم»، «توتال»، «انرون»، «شل» و غیره، با تحت کنترل گرفتن منابع زیر زمینی کشور، در عمل مردم بولیوی را از دسترسی به منابع ملی خود محروم کرده اند.

قیام مردم در اواسط ماه مه، به دنبال تصویب قانون جدید در مورد صنایع گاز توسط مجلس این کشور بود که در آن اختیارات بیشتری به شرکت های فراملی برای کنترل صنایع این کشور داده شد. این در حالی است که فقر در بولیوی با سرعتی سرسام آور تمامی شئون زندگی جامعه را در بر می گیرد و مردم به دلیل وضع قوانین غارتگرانه از دست یابی به ثروت کشور محروم می شوند. تصویب قانون جدید یکی از عوامل اصلی رادیکالیزه شدن جنبش مردمی در بولیوی بود.

این قیام به طور گسترده از شهر «ال آلتو» آغاز شد و به سرعت به سایر قسمت های دیگر گسترش یافت. «ال آلتو» شهری است واقع در ده کیلومتری لاپاز و طبق آمار منتشره توسط مرکز تحقیقات و آمار، ۶۰ درصد مردم این شهر زیر خط فقر زندگی می کنند و ۵۰ درصد از این تعداد نیز در فقر مطلق به سر می برند. تنها ۳۰ درصد خانوارها از امکانات پایه یی زندگی برخوردارند و تحصیلات و بهداشت در سطحی بسیار نازل قرار دارد. مردم این شهر به دلیل نزدیکی به لاپاز مترصد فرصت کاری در پایتخت هستند تا بتوانند به لاپاز نقل مکان کرده و کار کنند.

ادواردو رودریگز به دنبال استعفای کارلوس مسا، در اولین سخنرانی خود اعلام کرد که مترصد است تا با تغیی قانون امکانات بیشتری را برای تهیستان و گروه های قومی فراهم آورد. او اضافه کرد که تلاش خواهد کرد تا صنعت نفت را ملی کند و شرایط برای واگذاری اختیارات وسیع تر به مناطق بومی را نیز بررسی کند. رودریگز که به عنوان یک قاضی عالی رتبه، در بولیوی، مورد اعتماد عمومی است، تصریح کرده که پس از دوره شش ماهه خود در مقام رییس جمهوری موقت، دوباره به پست سابقش در قوه قضاییه باز خواهد گشت.

او در رابطه با انتخابات گفت که تلاش خواهد کرد تا انتخابات جدید حداکثر تا ماه دسامبر انجام شود و امیدوار است بتواند ساختاری دموکراتیک را در کشور به وجود آورد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما از اقدام اعتراضی زنان آزادیخواه

میهن بر ضد پیدادگری

زنان مبارز ایران!

در شرایط پیچیده حاکم بر کشور و در حالی که اقتدارگرایان رژیم ولایت فقیه سخت در تدارک بازپس گرفتن کنترل خود بر قوه مجریه و خفه کردن هرگونه صدائی در دفاع از آزادی بیان و توسعه سیاسی می باشند، حرکت مبارزاتی شما تجلی گر شعارهای محوری مردم ستمدیده میهن است. شما با به چالش کشیدن قانون اساسی و سایر قوانین مدنی و اجرایی ضد دموکراتیک و ارتجاعی که موانع اساسی در مقابل هرگونه کوشش جدی و دموکراتیک برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کشورند، عملاً میانی فکری سیاسی ارتجاع حاکم را نشانده گرفته اید. مبارزه اصولی و برحق شما معرف این حقیقت است که جنبش اصلاحات اصیل سیاسی در میهن در پیوند طبیعی و بلا واسطه با خواسته های برحق و کلیدی زنان کشور قرار دارد. حزب توده ایران از مبارزه برحق شما بر ضد قوانینی که خشونت، سرکوب و تبعیض بر ضد زنان را طبیعی می انگارند، حمایت می کند و خواست های شما برای رفع نابرابری جنسی، و مساوات واقعی در همه شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را بخشی مهم از برنامه مبارزاتی خود می داند. در شرایطی که مبارزه نیروهای ملی و ترقی خواه کشور برای ایجاد جبهه یی گسترده در دفاع از دموکراسی و حقوق بشر به



مرحله حساسی رسیده است، اقدام اعتراضی و به موقع شما در توجه دادن به آماج اصلی جنبش مردمی و لزوم متمرکز کردن توجه به ضرورت تغییر بنیادین قانون اساسی و دیگر قوانین پایه یی کشور قابل ستایش است. شعار محوری حزب توده ایران برای طرد رژیم «ولایت فقیه» در حقیقت در راستای چنین خواسته یی می باشد. حزب توده ایران بر این باور است که حرکت اعتراضی شما و جنبش حق طلبانه زنان بخشی مهم از جنبش اجتماعی میهن مان است که در برهه کنونی وظیفه تاریخی طرد رژیم آزادی کش ولایت فقیه و اصلاحات سیاسی را در مقابل خود قرار داده است. حزب توده ایران همبستگی خود را با مبارزه دلاورانه شما در برابر بی عدالتی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که همگام و هم زبان با جنبش مردمی، جنبش کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، جنبش دانشجویی و جوانان در شرایط کنونی کشور در حال گسترش است، اعلام می دارد. حزب توده ایران حمایت خود را از خواسته های برحق تجمع اعتراضی شما در روز یکشنبه بیست و دوم خرداد ماه در مقابل دانشگاه تهران اعلام می دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۹ خردادماه ۱۳۸۴

ادامه آشفته اندیشی سیاسی - نظری ...

آگاهانه اکثریت مردم و با به کار گرفتن تاکتیک‌ها و شیوه‌های مناسب و قابل اجراء برای آنان پیموده خواهد شد...» (نگاه کنید به اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران، بخش تحول از کدام راه، صفحه ۲۴ و ۲۵).

ما همچنین در اسناد پنجمین کنگره حزیمان اعلام کردیم که: «ما در این سال‌ها کراراً گفته بودیم و همچنان تأکید آن را ضروری می‌بینیم که اتخاذ سیاست‌هایی که اساس و زیربنایش قبول اصل ولایت فقیه یعنی پذیرش حق ویژه و ابدی انحصار مطلق اهرم‌های قدرت سیاسی و اقتصادی به دست روحانیون حاکم است، ثمری جز دوام بخشیدن به حاکمیت استبدادی بر میهن ما نداشته و نخواهد داشت... امروز با قاطعیت می‌توان گفت که تجربه شش ساله دولت خاتمی، شکست نظریه امکان استحاله و اعتقاد به اصلاح‌پذیری رژیم ولایت فقیه از بالا، شکست سیاست حل و فصل مسایل از طریق مذاکرات پشت پرده با ارتجاع، شکست سیاست محرم‌ندانستن مردم و شرکت ندادن آنان در تعیین سرنوشت‌شان، و مهم‌تر از همه شکست این نظریه بود که در چارچوب رژیم ولایت فقیه، آن طوری که زمانی خاتمی، نبوی و دیگر رهبران جبهه دوم خرداد ابراز می‌کردند، می‌توان به آزادی، جامعه مدنی و حکومت «مردم‌سالار» دست یافت. عقیم ماندن تلاش‌های خاتمی و همفکران او برای تعدیل سیاست‌های سرکوبگرانه و شکستن بن بست انحصار حاکمیت توسط مشت‌تاریک اندیش و مزدوران مسلح و نیمه مسلح آنان نشان داد که نمی‌توان امیدوار بود که مستبدان حاکم، بدون مبارزه وسیع و سازمان‌یافته توده‌ای تن به خواست عمومی برای دست کشیدن از انحصار و استبداد بدهند.» (نگاه کنید به اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران، گزارش کمیته مرکزی به کنگره، بخش ب: تحولات سیاسی ایران - روند اصلاحات و سرنوشت تجربه تاریخی دوم خرداد، صفحات ۱۵ تا ۲۳، مهرماه ۱۳۸۲ - تأکیدات از ماست).

افزون بر این ما در هشت سال گذشته در ده‌ها مقاله و سرمقاله «نامه مردم» به روشنی در این زمینه اظهار نظر کرده ایم که نویسندگان اعلامیه می‌توانند با رجوع به آنها نادرستی ادعاهای خود را دریابند. و اما در زمینه بحث ضرورت شرکت و یا تحریم انتخابات چه نظرات و استدلال‌های اساسی مطرح می‌شد و نتیجه آنها چه شد؟

استدلال اصلی بی‌که روز شنبه ۲۸ خرداد ماه ناپدید شد

یکی از بحث‌ها و استدلال‌های اساسی مطرح شده در طرح ضرورت تحریم انتخابات این بود که با تحریم انتخابات قادر خواهیم بود رژیم را از «مشروعیت» بیاندازیم و در عرصه بین‌المللی هم آنها را با فشار روز افزون روبه‌رو کرده و سران ارتجاع را وادار به تن دادن به خواست مردم نماییم. در مقابل این نظر حزب ما در مقاطع مختلف اعلام کرده بود که روشن نیست که مطرح‌کنندگان این نظر حد «مشروعیت» رژیم را متناسب با چند درصد آرای مردم می‌دانند و با چه میزان آراء می‌توان رژیم را از «مشروعیت» انداخت؟ بدیهی است که حزب ما از اساس موافق چنین بحثی در شرایط کنونی نیست. به گمان ما رژیم استبدادی ولایت فقیه نمی‌تواند مشروعیت مردمی داشته باشد و عدم مشروعیت آن نیز به آن بستگی ندارد که ۵۰ یا ۶۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کنند و یا آن را تحریم کنند. در پی برگزاری انتخابات و اظهار نظرهای شماری از مدافعان نظریه تحریم و نصیحت کردن مخالفان که از این تجربه بیاموزید و به خطای خود پی ببرید این مسأله روشن نشد که بر سر ستون اساسی نظریه تحریم چه آمد. آیا روز شنبه ۲۸ خرداد ماه رژیم ولایت فقیه با روشن شدن میزان شرکت مردم در انتخابات (حتی در کمترین درصد آن یعنی ۵۰ درصد و نه آمار ۶۳ درصدی اعلام شده از سوی وزارت کشور) از مشروعیت افتاد؟ و یا آیا پیروزی نظریه تحریم بستگی به شکست دکتر مصطفی معین و کودتای نظامیان

جدی انتخابات، در جریان میزگردهای انتخاباتی شروع شد و سپس پس از چند روز به این نتیجه رسید که هم شرکت در انتخابات و هم رای دادن در انتخابات غلط است (!) و در انتها، در روزهای پایانی کارزار انتخاباتی به آنجا منجر شد که تضعیف معین تقویت رفسنجانی است.

در میان طیف نظری دیگر نیروهای سیاسی، از جمله موضع‌گیری‌های سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و برخورد این سازمان با مواضع حزب ما جای ویژه‌ای دارد که تأمل بر آن ضروری است. در اعلامیه‌ی که کمیته مرکزی این سازمان، در ۱۸ خرداد ماه، انتشار داد، که بیشتر به یک فحشنامه شبیه است تا یک اعلامیه سیاسی و یک بحث منطقی و اصولی، ما «استدالات» لابد صد در صد علمی و منطقی زیر را در نقد نظرات حزب توده ایران مشاهده می‌کنیم:

«رسوایی مشترک طیف توده‌ای و ملی مذهبی»؛ «همه جریان‌های دستی راستی... که با خاک پاشیدن به چشم مردم و به خیال خام خود»؛ «حاضرند در یک رسوایی سیاسی بزرگ دیگر، موجبات مشروعیت و تقویت رژیم اسلامی را فراهم کنند»؛ حزب توده... از بدو روی کار آمدن رژیم اسلامی در تضادی آشکار با منافع اکثریت ستمکش جامعه...؛ «مشغول توهم پراکنی در مورد استحاله رژیم»؛ «به کمک رژیم قرون وسطایی شتافته اند»؛ «در کنار رژیم ارتجاع و در تخاصم با اراده بر حق مردم کشورمان»؛ «تاریخ این خیانت تاریخی را هرگز فراموش نخواهد کرد»؛ «تن دادن به این دلالی مضمّن کننده» و ...

بدیهی است که برخوردی از این دست بیش از آنکه منطقی و استدلال‌نظری حاملان آن را نشان دهد تنها نشانگر آشفته اندیشی کسانی است که مدعی «پیشاهنگی» و دفاع از حقوق و آزادی‌های بی‌قید و شرط همه شهروندان میهن ما هستند. شاید بد نباشد این دوستان به برخی از نوشته‌های خود در مقابله با برخوردهای مشابه مسعود رجوی و سازمان مجاهدین با راه کارگر رجوع کنند و از نوشته‌های خود در مزمت این گونه برخوردهای «لومین مابانه» بیاموزند.

در این فحشنامه تنها کافی است به یک نکته و یک دروغ گویی آشکار اشاره کنیم تا میزان روشن‌مدعیات مورد بحث این دوستان را نشان بدهیم. در اعلامیه می‌خوانیم: «این جریان به همراه گرایش‌های راست طیف جمهوری خواه در دوران هشت ساله پس از دوم خرداد مشغول توهم پراکنی در مورد امکان استحاله رژیم ولایت فقیه به یک حکومت دموکراتیک بوده است...» پاسخ به ادعای کاملاً دروغ را می‌توان در انبوه نوشته‌ها و اسناد رسمی حزب ما در هشت سال گذشته یافت. حزب ما در اسناد کنگره چهارم (بهمن ماه ۱۳۷۶) و در مقاطع گوناگونی که از جمله موج دفاع از سیاست‌ها و روش اصلاح طلبان حکومتی، و دفاع از سیاست مذاکره و سازش در بالا و به میدان‌نیاوردن توده‌های میلیونی برای ایجاد فشار بر ارتجاع حاکم دامن بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون را گرفته بود، تأکید می‌کرد که سد اساسی تحقق خواست توده‌ها رژیم ولایت فقیه است و نوشت: «حزب ما اعتقاد عمیق دارد که با حفظ ساختار قرون وسطایی «ولایت فقیه» تحقق چنین خواست‌هایی ممکن نیست. ولی در عین حال بر این باور است که مبارزه کنونی برای رسیدن به سرانجام خود می‌بایست از مراحل گوناگونی عبور کند و شعارهای مبارزاتی تدقیق و رادیکالیزه گردند. ما دست‌یابی به هدف طرد رژیم ولایت فقیه را نه از طریق اعمال و حرکات بلانکیستی، دل‌بستن به استحاله حکومت از درون و یا مداخلات خارجی چه نظامی و چه اقتصادی و نه دل‌بستن به نتیجه مبارزه قدرت بین جناح‌های رژیم... می‌دانیم این راهی است که با شرکت

دوم اعلام می کنند!

ادامه آشفته اندیشی سیاسی - نظری ...

تفاوت اساسی نظری - نقش توده ها و قدر قدرتی ارتجاع

نظر دیگری که در نقد نظرات حزب ما درباره انتخابات به چشم می خورد این بحث است که مطرح می کند: «قابل پیش بینی است که طرفداران شرکت در انتخابات انگشت اتهام را به سوی تحریم کنندگان دراز کنند و اعلام کنند که اگر سیاست تحریم نبود طیف گسترده ای در انتخابات شرکت می کردند و وضع به این جا خاتمه پیدا نمی کرد. در پاسخ به این نظر تنها به یک نکته اکتفاء می کنیم: در شرایطی که رژیم کروی را تحمل نکرد، آیا حاضر بود معین را تحمل کند؟» (به نقل از مقاله «کدام سیاست موثر بود تحریم یا شرکت در انتخابات - پایگاه اینترنتی «اخبار روز»)

در این نظر مسأله کلیدی نهفته است که شکافتن آن تفاوت اساسی نظری میان برخورد حزب ما و شماری از نیروهای سیاسی دیگر را روشن می کند. در این نظر ارائه شده این برداشت اساسی نهفته است که توده ها نقش محدودی در مقابله با رژیم ولایت فقیه و سران آن دارند و ارتجاع قدر قدرت و شکست ناپذیر است. نظر طرح شده مدعی است که در حالی که ما می دانیم ارتجاع معین را تحمل نخواهد کرد (و ما نیز با این نظر موافقیم) شما چگونه مردم را به مبارزه برای تحمیل معین به رژیم فرا خواندید؟

بر خلاف این تفکر که معتقد است رژیم و سران آن قادرند هر کاری را که می خواهند انجام دهند حزب ما عمیقاً به نقش و توانمندی توده ها در تحمیل خواست و نظراتشان به ارتجاع حاکم اعتقاد دارد. تجربه دوم خرداد ۱۳۷۶، تنها یک نمونه جالب در این زمینه است که صف مشترک و نیرومند توده های مردم توانست با صلابت و قدرت کامل تمام نقشه های رژیم و سران آن را نقش بر آب کند و سید محمد خاتمی را در مقابل نامزد رسمی و اصلاح رژیم، یعنی ناطق نوری به کرسی ریاست جمهوری بشاند. اتفاقاً این نظریه است که با اعتقاد به قدر قدرتی سران رژیم توده ها را عملاً به بی عملی می کشاند و اعتقاد ندارد که می توان از همین چارچوب های بسیار محدود و دشوار برای پیش برد امر مبارزه توده ها بر ضد رژیم ولایت فقیه بهره جست.

کف مطالبات توده ها، شرایط انقلابی و واقعیات روز

در بحث های دیگری مطرح می شود که شما با طرح تاکتیک شرکت در انتخابات عملاً کف مطالبات توده ها را به پایین ترین سطح ممکن و در حد قابل قبول برای رژیم تنزل دادید و در واقع از بی ثمری تجربیات اصلاح طلبان حکومتی در هشت سال گذشته نیاموختید.

به گواهی اسناد و انبوه مقالات و سرمقالات روزنامه «نامه مردم» حزب ما در هشت سال گذشته با پیگیری و قاطعیت به نقد سیاست ها و کارنامه اصلاح طلبان حکومتی نشست و سیاست های مماشات طلبی و سازشکارانه آنان را شدیداً به باد انتقاد گرفته است [از جمله نگاه کنید به مقالات: «آرامش فعال»، «باتلاقی که جنبش اصلاح طلبی را در خود فرو می بلعد (نامه مردم، شماره ۵۹۷، ۸ آذرماه ۱۳۷۹)؛ «ثوری بافی درباره تند روی جنبش اصلاح طلبی، گامی خطرناک به سوی به سازش کشاندن جنبش» (نامه مردم شماره ۶۰۰، ۲۷ دی ماه ۱۳۷۹)؛ «بدون طرد رژیم ولایت فقیه تغییرات بنیادین، پایدار و دموکراتیک ممکن نیست» (نامه مردم شماره ۶۰۲، ۲۵ بهمن ماه ۱۳۷۹) «تکرار وعده های گذشته، بدون برنامه برای پیشبرد امر اصلاحات ثمری جز وضع کنونی نخواهد داشت» (شماره ۶۱۵، ۲۳ مرداد ماه ۱۳۸۰)؛ «بن بست «قانونی» اصلاحات و بحران عمیق «اصلاح طلبان حکومتی» (نامه مردم شماره ۶۲۴، ۲۷ آذرماه ۱۳۸۰)، «راه سومی وجود ندارد! یا ایستادگی و گسترش مبارزه مردمی یا

برای تغییر نتیجه انتخابات داشت. ما در تمامی اظهار نظرها و موضع گیری های پس از انتخابات کوچکترین نشانی از این هدف اساسی و نتیجه آن پیدا نکردیم. گویا طراحان این نظر امیدوارند که با پرداختن به موضوعات دیگر این تر کلیدی به فراموشی و تاریخ سپرده شود.

بحث و جدال با مواضع مجازی

در برخی از اعلامیه و اظهار نظرها در نقد سیاست حزب ما، خصوصاً در پی اعلام نتایج انتخابات از جمله گفته می شود که مگر ما نگفتیم که این انتخابات غیر دموکراتیک و آزاد نخواهد بود و شما قبول نکردید و در این زمینه در ذهن توده ها توهم پراکنی کردید و حال امیدواریم این واقعیت را درک کرده باشید.

این بحث در واقع جدالی است با آسیاب بادی و نظرات مجازی که نشانی از آن را نمی توان در اسناد و نظرات حزب ما یافت. ما مدتها پیش از شماری از این دوستان و هنگامی که برخی از آنان هنوز دچار توهم برگزاری «انتخابات آزاد» در چارچوب رژیم ولایت فقیه بودند در رد این برداشت ها، در سرمقاله روزنامه «نامه مردم»، شماره ۶۸۹، ۲ تیرماه ۱۳۸۳، با عنوان «سراب» انتخابات آزاد و تکرار شعارها و تاکتیک های آزموده شده، نوشتیم: «حتی انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز انتخاباتی غیر دموکراتیک بود که در آن شورای نگهبان ارتجاع از میان صدها نامزد انتخاباتی تنها اجازه شرکت به چهار نفر را داد. بنابراین طرح شعار «انتخابات آزاد» در کشوری که همه قوانین و نهادهای اساسی تصمیم گیری آن زیر نظر یک نفر و وابستگان او قرار دارند سراسی بیش نیست» کمیته مرکزی حزب ما اتفاقاً با تأکید بر این موضوع مسأله شرکت در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری را نه از زاویه آزاد و یا دموکراتیک بودن آن بلکه در چارچوب تاکتیک برای مقابله با برنامه رژیم برای یکدست کردن حاکمیت و سرکوب کامل روند اصلاحات ارزیابی کرد. کمیته مرکزی حزب ما در این زمینه به روشنی اعلام کرد: «ما ضمن غیر دموکراتیک دانستن انتخابات پیش رو در عین حال معتقدیم که پیروزی نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر در این مصاف می تواند گامی مهم در نبرد دشوار پیش رو برای تغییر ساختار قدرت سیاسی در ایران و حرکت به سمت آزادی و دموکراسی باشد. باید دست در دست هم نامزد های مشترک ارتجاع و تاریک اندیشی را با شکست تاریخی دیگری روبه رو کرد. نباید به مشتی تاریک اندیش مردم ستیز اجازه داد تا حرکت به سمت آینده یی آزاد و رها از بندهای دیکتاتوری را با به کار گیری انواع و اقسام ترفندها و برنامه ها کند و یا متوقف نمایند. شکست نامزد های اصلاح رژیم ولایت فقیه در پای صندوق های رای وظیفه یی است مهم و حساس که باید با تمام توان در راه تحقق آن کوشید.» (نگاه کنید به اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۴).

بنابراین روشن است که حزب ما شرکت در انتخابات را تنها به عنوان تاکتیک مبارزاتی در مقابله با خطرات جدی یی که از سوی ارتجاع کل جنبش مردمی را تهدید می کرد می دید و در این زمینه اعتقاد داشت که باید با بسیج نیرو و شکست نمایندگان ارتجاع برنامه های سران رژیم ولایت فقیه را متوقف کرد. تا سلف بار این است که اکنون پس از ۲۷ خرداد و عیان شدن بیش از پیش توطئه های خطرناک ارتجاع شمار زیادی از تحریم کنندگان دور اول انتخابات که حاضر نبودند به دکتر مصطفی معین و برنامه ارائه شده از سوی جبهه دموکراسی و حقوق بشر رأی بدهند هراسان آمادگی خود را برای رأی دادن به رفسنجانی، در دور

ادامه آشفته اندیشی سیاسی - نظری ...

آزادی برای همه زندانیان سیاسی

در مبارزه پُر شور و دشواری که مردم میهن ما بر ضد رژیم ولایت فقیه سازمان داده اند، تامین حقوق دموکراتیک اجتماعی و فردی، آزادی، قانون گرایی و برقراری عدالت اجتماعی آماج های اصلی آن قلمداد می شوند. یکی از وجوه یا جنبه های مبارزه برای آزادی های سیاسی و اجتماعی، مبارزه خستگی ناپذیر برای آزادی زندانیان سیاسی است، که فقط به علت اعتقادات سیاسی و عقیدتی خود متحمل رنج و حرمان و عذابند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان های مختلف کشور و به ویژه اعتصاب غذای مبارز راه آزادی و وکیل پرونده قتل های زنجیره ای دکتر ناصر زرافشان، اقدام دلیرانه بی در راستای این حق بدیهی و انسانی، یعنی آزادی زندانیان سیاسی، است که از پشتیبانی همگان برخوردار است. تحصن خانواده زرافشان و اعضای کانون نویسندگان ایران در دفاع از جان وی و دیگر زندانیان سیاسی که در آن گروه های مختلف از جمله جمعی از خانواده و بستگان شهیدان قهرمان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷، فعالان سندیکایی و دانشجویان برگزار شد، بخشی از مبارزه بی است که در اشکال مختلف، در میهن ما، برای تامین آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی جریان دارد و به همین دلیل از پشتیبانی همه نیروها، احزاب و شخصیت های مترقی و آزادی خواه برخوردار است.

این مبارزه همچنین مورد پشتیبانی سازمان های ترقی خواه، چپ و مدافع حقوق بشر قرار دارد. بنیانه مشترک سازمان های جهانی مدافع حقوق بشر در روز چهارشنبه ۲۵ خرداد ماه، یکی از مظاهر این حمایت بود.

در مقابل، رژیم ولایت فقیه و به ویژه قوه قضاییه آن با رفتار خود ثابت کردند که شأن و حرمت زندگی انسان برای آنها کوچکترین ارزشی ندارد. موضع گیری مقامات دادگستری مبنی بر اینکه آنها که اعتصاب کرده اند گرسنه می شوند و غذا می خورند، ژرفای ماهیت ضدانسانی گردانندگان قوه قضاییه و رهبران رژیم ولایت فقیه را هویدا می سازد. آنچه در درون زندان اوین و در بیرون آن، در کنار حصار لعنتی آن می گذشت و می گذرد، تداوم مبارزه بی است که نیروهای انقلابی و ترقی خواه میهن ما نسل در نسل با نثار جان خود آن را ادامه داده و می دهند. مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی، و مبارزه برای نفی و طرد استبداد و خودکامگی!

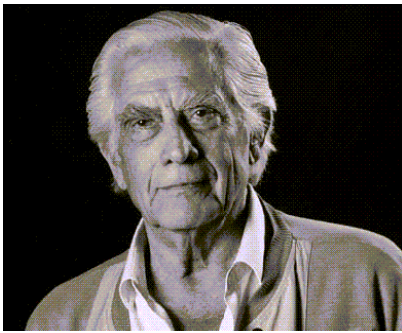
خواست آزادی زندانیان سیاسی، بخش جدایی ناپذیر و بسیار مهم مبارزه برای دست یابی به دموکراسی و حاکمیت قانون است. رژیم ولایت فقیه در این زمینه نیز راه رژیم ضدملی شاه را ادامه می دهد. شاه نیز به عنوان عامل سرسپرده امپریالیسم در منطقه، اختناقی خشن را بر جامعه تحمیل کرده بود و هزاران انسان شریف را صرفاً به علت تعلق فکری - سیاسی و حزبی در دخمه ها محبوس ساخته بود. ولی در ظاهر ادعا می کرد، ایران کشور آزادی و جزیره ثبات منطقه است و زندانی سیاسی ندارد. شاه به همین دلیل در مصاحبه معروف خود با خبرنگار ایتالیایی خانم فالچی با صراحت گفته بود: «من کمونیست ها را زندانی سیاسی به حساب نمی آورم ... یک کمونیست، زندانی سیاسی نیست، بلکه یک جنایتکار معمولی است.» امروز نیز گردانندگان قوه قضاییه با زبان و لحن دیگری مساله زندانیان سیاسی را منکر می شوند. جلالدانی نظیر علیزاده و مرتضوی با برخوردها و موضع گیری هایشان نشان می دهند جز یک عامل ساعی دیکتاتوری و بی قانونی چیز دیگری نیستند. کسانی که بر دستگاه قضایی فرمان می رانند، مروج بی عدالتی و قانون شکنی هستند. مقاومت درخشان زندانیان سیاسی، با وجود همه فراز و نشیب ها و دشواری ها، تاثیر جدی خود را باقی خواهد گذاشت.

در پرتو همین نیرو دلاورانه است که در آینده ابرهای تیره گون استبداد و دیکتاتوری از آسمان آبی میهن ما محو خواهد شد. مبارزه ای که در دخمه های رژیم، در شرایط نابرابر جریان داشته و دارد، سرانجام با پیروزی حقیقت و مدافعان شریف و فداکار و بی ادعای آن به پایان خواهد رسید.

زبونی، سازش تسلیم و شکست در برابر مرتجعان حاکم» (نامه مردم شماره ۶۷۸، ۳۰ دی ماه ۱۳۸۲)؛ «مرثیه بی بر سیاست سازش و مماشات با استبداد» (نامه مردم شماره ۶۸۶، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)؛ «عقب نشینی، بازهم عقب نشینی و دیگر هیچ!» (نامه مردم شماره ۶۹۷، ۲۱ مهرماه ۱۳۸۳) و دهها مقاله و نوشته دیگر].

بحث ما در هشت سال گذشته همچنان که امروز نیز هست بر این اساس استوار است که با وجود رشد وسیع نارضایتی در میان توده ها با وجود همه انزجار و تنفیری که از رژیم استبدادی حاکم وجود دارد و با وجود همه مبارزات دلیرانه دانشجویان (از جمله اعتصاب غذاهای اخیر در دانشگاه های مختلف) و روشنفکران و نیروهای مترقی (از جمله تحصن اخیر در مقابل زندان اوین برای آزادی زندانیان سیاسی) و همچنین مبارزه قهرمانانه زنان کشور (و از جمله حرکت اعتراضی اخیر در مقابل مجلس شورای اسلامی) و بالاخره صدها اعتراض کارگری صنفی و برخی سیاسی در سال گذشته هنوز جنبش وسیع سازمان یافته توده ای برای طرد رژیم ولایت فقیه وجود ندارد. نکته دیگر اینکه اگر چه در میان طیف روشنفکران و دانشجویان کشور خواست های تحقق دموکراسی و حقوق بشر در شکل رادیکالیزه شده، نیرومند و سازمان یافته نهادینه شده است ولی این برای بخش عظیمی از مردم زیر ستم و جان به لب رسیده ما از فشارهای سنگین اقتصادی - اجتماعی هنوز کف مطالبات تخفیف فشارهای کمرشکن معیشتی و تلاش در راه تامین زندگی حداقلی است که میلیون ها شهروند بیکار موجود در کشور از تأمین آن محرومند. سازمان دهی این نیروی عظیم به برنامه ریزی مشخص، و نه تنها در زمینه خواست های آزادی های سیاسی بلکه در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و تغییر بنیادین ساختار نا عادلانه کنونی، نیازمند است و این نیز ممکن نیست مگر با تلاش پیگیر و صبورانه و همت و وحدت همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور. تنها با بسیج این نیروی عظیم اجتماعی حول سیاست های مشخص مبارزاتی است که می توان به مضاف رو در رو با رژیم ولایت فقیه رفت و آن را طرد کرد. طرح شعارهای غیر واقع بینانه و دور از امکانات موجود مبارزاتی تنها به تحلیل نیرو و ایجاد شکاف و انشقاق در صف نیروهای آزادی خواه منجر خواهد شد و ثمری برای نبرد دشوار پیش رو ندارد. ادامه روند اصلاحات و ادامه برخوردها و شکاف در هرم حاکمیت فضای تنفسی لازمی است که جنبش مردمی با بهره برداری از آن خواهد توانست بر ضعف های سازماندهی و پراکندگی خود فائق بیاید.

میهن ما شرایط دشوار و حساسی را پشت سر می گذارد. در چنین اوضاع و احوالی بی شک اتحاد عمل همه نیروهای مترقی و آزادی خواه حول شعارها و برنامه های عملی می تواند نقش موثری در پیش برد امر مبارزه کنونی داشته باشد. برخوردهای تند قلمی، اتهام زدن و فحاشی کردن و عمده کردن تفاوت های نظری که طبیعتاً در بین نیروهای گوناگون وجود دارد ثمری جز جدایی ها کنونی به همراه نخواهد داشت و این امر تنها آب به آسیاب ارتجاع و استبداد می ریزد. ما با وجود همه دشواری های موجود و تفاوت های نظری دست اتحاد خود را به سوی همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور دراز می کنیم و معتقدیم که باید تلاش ها برای ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری را دو چندان کرد.



از احزاب کمونیست قدرتمند جهان در مراسم به خاک سپاری او شرکت کردند. شدت ازدحام در مسیر بین ساختمان مرکزی حزب و محل به خاک سپاری رفیق آن چنان بود که امکان انتقال تابوت رفیق «کونیال» توسط

اتومبیل مخصوص ممکن نشد و تابوت در تمامی ۵ کیلومتر مسیر بر شانه های اعضای حزب حمل شد.

«آلوارو کونیال» در سال ۱۹۲۳ در «کومبر» در منطقه مرکزی پرتغال دیده به جهان گشود. در سال ۱۹۳۰، دانشجوی هفده ساله دانشکده حقوق بود که به عضویت حزب کمونیست پرتغال در آمد. در سال ۱۹۳۵ دبیر اول سازمان جوانان کمونیست و یکسال بعد عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال شد.

وقتی که ژنرال های خائن مصمم شدند که کار را با قیام مردم و جمهوری اسپانیا تمام کنند و آن کشور در ورطه جنگ داخلی غوطه ور شد، «آلوارو کونیال»، در جمع «امداد گران سرخ» از مرز گذشت و به دفاع از انقلاب اسپانیا پرداخت. آزمون او در این نبرد- در کشوری که درهم کوبیده شده بود، الهام بخش او در نوشتن رومان دیگری شد به نام «خانه اولالیا». او از سال ۱۹۳۵ به زندگی مخفی روی آورد. کشور زیر یوغ فاشیستی سالازار قرار داشت. در این دوران دوبار در سال های ۱۹۳۷ و ۱۹۴۰ سلول های تنگ و تاریک رژیم فاشیستی را همراه با شکنجه متحمل شد. با وجود همه فشارها و دشواری ها به تحصیل ادامه داد و از تز خود در باره «واقعیت اجتماعی سقط جنین و مجازات آن» در احاطه ماموران نظامی دفاع کرد. باید گفت که این اثر او در کشوری که مذهب در همه جای آن حضور دارد، طبعاً یک عمل «براندازی» به حساب می آمد و توسط پلیس سیاسی مخوف (همه جا همان سازمان امنیت!) ضبط شد. کونیال در سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۹ به عنوان عضو هیئت دبیران، حزب کمونیست پرتغال را تجدید سازمان داد. در سال ۱۹۴۹ مجدداً از سوی پلیس سیاسی زندانی شد. در دادرسی ادعا نامه کوبنده ای بر ضد رژیم سالازار ارائه داد. دادگاه فاشیستی او را به یازده سال زندان که هشت سال آن در سلول انفرادی بود، محکوم کرد.

در روز سوم ژانویه ۱۹۶۰ خبر پرتن فرار او به همراه رفقای از دژ نظامی «پنیچه» در سراسر جهان پیچید. (گفتنی است که تاکتیک فرار رفقای حزب کمونیست پرتغال کاملاً شبیه تاکتیک فرار اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران از زندان قصر در سال ۱۳۲۹ بود).

یک سال پس از فرار از زندان به دبیر کلی حزب برگزیده شد. در این دوران هرچند ناگزیر به تبعید از میهن شده بود، نه فقط از خارج بلکه همچنین با اقامت متناوب در داخل کشور- زیر گوش «مقامات» - به سازماندهی مقاومت پرداخت. شهامت و توانایی در اقناع دیگران و اندیشه هایش و نیز پرداخت تاوان سنگین مبارزه به همراه اعضای حزب کمونیست پرتغال به مدت نیم قرن، به او مشروعیت غیر قابل انکار و براننده یک رهبر را بخشید.

پس از آوریل ۱۹۷۴، او در دولت های موقت پس از انقلاب (که به انقلاب میخک شهرت یافت) پست وزارت داشت و نیز نماینده مجلس موسسان بود و پس از آن تا سال ۱۹۸۷ نمایندگی مجلس را عهده دار بود.

بدرود رفیق کونیال!

مبارز پر آوازه جنبش کمونیستی و رهبر تاریخی حزب کمونیست پرتغال

رفیق «آلوارو کونیال»، رهبرفکور جنبش کمونیستی جهان، دبیرکل سابق حزب کمونیست پرتغال و مبارز سرشناس ضدفاشیست، در روز ۲۲ خرداد، در سن ۹۱ سالگی درگذشت. «آلوارو کونیال» در سال ۱۹۹۲ در کنگره چهاردهم حزب کمونیست پرتغال، پس از پشت سر گذاردن سالیان دراز مبارزه خستگی ناپذیر که بسیاری از آن در مقام دبیر کلی حزب کمونیست پرتغال بود، گفت: «من معتقدم که برای هر کمونیستی که بتواند بگوید، همگام با رفیقان و همراه با ملت خویش تا آخرین نفس به نبرد ادامه خواهد داد، مایه بسی شادمانی است.» او همواره در طول زندگی پر افتخارش، از سال های سیاه دیکتاتوری فاشیستی سالازار گرفته تا ایجاد کشور آزاد و دموکراتیک- با گذار از انقلاب پر جوش «میخک» در آوریل ۱۹۷۴- این تعهد خود را در حد کمال انجام داد.

با خیر درگذشت او شخصیت های بسیاری صرفنظر از اختلاف و یا عدم توافق با اندیشه های سیاسی او، به این انسان مومن که زندگی همواره با سرنوشت کشورش، بهم پیوسته و در آمیخته بود، مبارزی که تجسمی بود از رنج و رزم و امید که در عین حال مشخصه کشورش در قرن بیستم است، سر تعظیم فرود آوردند. رئیس جمهوری پرتغال، دکتر سامپایو، با شنیدن خبر درگذشتش گفت: «زندگی او از تاریخ قرن بیستم جدا ناشدنی است. او در میان ما، در نبرد با رژیم خودکامه و در مبارزه برای استحکام دموکراسی پرتغال جایگاه ویژه خود را داشت.» «خوزه سقراط پینتو دو سوزا»، نخست وزیر پرتغال نیز گفت: «آلوارو کونیال یکی از بزرگترین چهره های سیاسی پرتغال در قرن بیستم است که لحظه به لحظه تاریخ آن با سرسختی و شهامت رقم خورده است.» «خوزه دورانو باروسو»، رئیس کمیسیون اروپا و نخست وزیر سابق پرتغال گفت: «آلوارو کونیال یکی از آن شخصیت هایی بود که در حیات سیاسی پرتغال بیشترین تاثیر را داشت.» و بالخره «ماریو سوارش»، رئیس جمهوری سابق این کشور در باره رهبر فقید کمونیست های پرتغال گفت: «او رجلی بود با درستی و صداقتی عظیم. یک مبارز ایثارگر حزب کمونیست و یک رزمنده ضد فاشیسم. او شایستگی آن را دارد که مورد ستایش باشد.»

دولت پرتغال به احترام او روز به خاک سپاریش، چهارشنبه ۲۵ خرداد، را روز عزای ملی اعلام کرد. هزاران تن از زحمتکشان و رهبران سیاسی پرتغال، و از جمله رهبران جنبش سندیکایی، رئیس جمهوری، صدر پارلمان، اعضای هیئت دولت و رهبران احزاب سیاسی اصلی کشور در برابر جسد رفیق در ساختمان



مرکزی حزب کمونیست ادای احترام کردند. در روز ۲۵ خردادماه صدها هزار تن از مردم و زحمتکشان پرتغال و چندین هیئت نمایندگی

ادامه بدرود رفیق کونیال ...

«آلوارو کونیال» افزون بر مبارزات سیاسی اش با نگارش چهار رومان با نام مستعار «مانوئل تیاگو» در پهنه ای دیگر نیز اشتهار داشت. در سال های انتهایی دهه ۱۹۸۰ میلادی و ابتدای دهه ۱۹۹۰، که مصادف بود با سال های دشوار فروپاشی سوسیالیسم در کشورهای اروپای شرقی و آشفستگی ایدئولوژیک در احزاب کمونیست، رفیق کونیال داهیهانه و با جسارت فعالیت های حزب را رهبری کرد و مبارزه ایدئولوژیک موفق را بر ضد حزب شکنان و انحلال طلبان سازمان داد. او در پایان موفق این کارزار، در سال ۱۹۹۲، در جریان چهاردهمین کنگره حزب پس از بیش از سه دهه مسئولیت دبیر کلی یکی از قدرتمندترین و منسجم ترین احزاب کمونیست جهان، سکان رهبری را در مراسمی پرشکوه و در حضور نمایندگان رهبری اکثر احزاب کمونیست جهان به رفیق «کارلوس کاروالهاس» سپرد. رفیق به اصرار حزب در مقام صدر شورای ملی حزب کمونیست پرتغال به فعالیت خود ادامه داد. رفیق «آلوارو کونیال» در زندگی پر افتخارش همواره به ایده آل های آزادی خواهانه و عدالت طلبانه اش وفادار ماند. با فقدان او کشور پرتغال یکی از برجسته ترین مبارزان برای دموکراسی و سوسیالیسم را از دست داد.

پیام تسلیت حزب توده ایران به حزب کمونیست پرتغال به مناسبت درگذشت رفیق «آلوارو کونیال»

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران با تاسف فراوان از خبر درگذشت رفیق «آلوارو کونیال»، رهبر برجسته حزب کمونیست پرتغال، آگاه شد. نام «آلوارو کونیال» برای همیشه با حروف برجسته در تاریخ طبقه کارگر و جنبش ترقی خواهانه پرتغال حک خواهد بود، و به مثابه مشعل و نمونه بی از شجاعت، مبارزه و تعهد کمونیستی برای تمام آنانی که در سراسر جهان درگیر مبارزه برای صلح، عدالت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم می باشند، باقی خواهد ماند. رفیق «کونیال» از مبارزات مردم پرتغال، در قرن بیستم بر ضد دیکتاتوری فاشیستی، استعمار (کولونیالیسم) و امپریالیسم جدا نشدنی است. زندگی مبارزاتی «آلوارو کونیال» چه در نقشی که او در سال های دهه ۱۹۳۰ در سازمان جوانان کمونیست پرتغال ایفا کرد، و چه در ادامه موثر نقشش در رهبری حزب کمونیست پرتغال، تا زمان درگذشتش، نماد حیات حزب کمونیست پرتغال بود. همگان بر نقش مهم رفیق «آلوارو کونیال» در سرنگونی بیش از چهار دهه حاکمیت دیکتاتوری در پرتغال واقفند. نام او با انقلاب آوریل ۱۹۷۴ و نقشی که جنبش نیروهای مسلح در آن ایفاء کرد، مترادف است.

چه در مقام یک فعال ساده، و چه در مقام دبیر کل حزب، و یا به مثابه یک عضو پارلمان و وزیر دولت، رفیق «کونیال» بر اعتقادات و تعهد خود به حقوق مردم ستمدیده و ایجاد جامعه بی بر اساس اندیشه های مارکس و لنین استوار باقی ماند. سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی سالازار در ۱۹۷۴ نمونه بی درخشان از پیروزی آزادی خواهان برای مردم ستمدیده در همه جا، و به ویژه خلق های درگیر مبارزه بر ضد استعمار و میراث های آن، در کشورهای در حال توسعه، بود. نه زندان، نه شکنجه و نه تهدید هیچگاه نتوانست بر اراده رفیق «آلوارو کونیال» در مقام یک سازمان ده، مبلغ، رهبر و تئوریسین خللی وارد کند. «آلوارو کونیال» پیشاهنگ مبارزه با دکماتیسم و تجدیدنظرطلبی بود. سهم او در توسعه تئوری و عمل سوسیالیسم برای طبقه کارگر پرتغال و جنبش بین المللی طبقه کارگر ارثیه ذیقیمتی را بر جای گذاشته است. «آلوارو کونیال» همچنین تعهد خلاق و پربراری را به فرهنگ معاصر به نمایش گذاشت. در مقام یک نویسنده، مقاله نویس و منتقد ادبی او شهری برای کیفیت، امانت داری و دقت فکری (انتلکچوئل) پیدا کرد.

در زمان مرگش، اوضاع سیاسی در اروپا، و مبارزه در کشورهای در حال توسعه وارد مرحله بی جدید، بغرنج و تعیین کننده شده است. بحران سیاسی در اتحادیه

اروپا و جنبش بر ضد استثمار و فشار بانک جهانی و امپریالیسم جهانی در آمریکای جنوبی و مناطق دیگر جهان، نمایشگر یک جهش در جنبش مردم برای دموکراسی و عدالت اجتماعی است. در ایران جوانان و جنبش اجتماعی نیاز به تغییر را فریاد کرده و خواهان به پایان رساندن دیکتاتوری مذهبی می باشند. در همه جا نیرو های ضد سرمایه داری قدرت می گیرند و در این نبرد ارثیه معنوی و آثار رفیق «آلوارو کونیال» ارزش والای خود را حفظ خواهد کرد.

حزب توده ایران در کنار حزب کمونیست پرتغال و همه آنانی که زندگی و آثار «آلوارو کونیال» را شناخته اند، فقدان او را به خانواده اش تسلیت می گوید. بیش از ۷۴ سال مبارزه و دستاورد های انقلابی رفیق «کونیال» ارثیه گرانبهای او برای جنبش کمونیستی جهان است. کمیته مرکزی حزب توده ایران، مردم و نیروهای دموکراتیک ایران متحدی سرسخت و پایمند در مبارزات دشوارشان را از دست داده اند. ما از این فرصت استفاده کرده و بار دیگر همبستگی خود را با مردم پرتغال و حزب «آلوارو کونیال» مورد تاکید مجدد قرار می دهیم.

زنده باد خاطر، آثار، و ارثیه انقلابی «آلوارو کونیال»

زنده باد حزب کمونیست پرتغال

زنده باد همبستگی بین المللی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۴ (۱۷ ماه ژوئن ۲۰۰۵)

ادامه مبارزه مردم بولیوی ...

قیام های اخیر بولیوی نتیجه ده ها سال حضور نیروهای ارتجاعی در راس دولت های حاکم که تحت نظر و با پشتیبانی آمریکا عمل می کنند، است. سیاست های تحمیل شده از سوی آمریکا باعث شده است تا مردم این کشور هر روز عمیق تر از گذشته در فقر فرو روند، تا آنجایی که این کشور به فقیرترین کشور آمریکای لاتین بدل شده است. سیاستی که توسط آمریکا در بولیوی پیاده شده است، فقط مختص به این کشور نیست بلکه در سراسر کشورهای آمریکای لاتین به کار گرفته شده است، اما کشورهای منطقه، یکی پس از دیگری این سیاست را نفی کرده و با آن به مقابله پرداخته اند.

تحولات مردمی در آمریکای لاتین رو به افزایش است. به رغم تلاش های ایالات متحده و نیرو های دست نشانده آن در بولیوی برای تحت کنترل در آوردن اوضاع، این بار بومیان به همراه کشاورزان و کارگران، با قیام وسیع خود، دولت را وادار به استعفا کرده و به طور یقین این مبارزه را تا دست یابی به خواست های خود ادامه خواهند داد.

روند تعمیق مبارزات انقلابی در آمریکای لاتین و جنوبی رو به گسترش است و بولیوی به عنوان یکی از کشورهایی که تاریخ مبارزاتی انقلابی مهمی داشته است، می تواند با ورود به اتحادیه کشورهای مردمی و دموکراتیک منطقه، جبهه وسیع تری را در برابر سیاست های جهان گسترانه ایالات متحده و شرکت های فرا ملی تقویت کند.

سخنی دربارهٔ تشکیل نخستین سندیکای مستقل کارگری

فعالیت جنبش سندیکایی کارگران میهن ما، امری جدا از اوضاع سیاسی جاری نیست، لذا وجود سندیکای مستقل و واقعی در دوره حساس و سرنوشت ساز کنونی، نه تنها برای دست یابی به آماج های صنفی - رفاهی زحمتکشان ضرور است، بلکه برای نیل به هدف های عام سیاسی و سازماندهی جنبش دموکراتیک و آزاد یخواهانه مردم ما، موثر و فوق العاده با اهمیت است!

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران، سرانجام پس از یک دوره ۲۲ ساله، در پرتو مبارزات آگاهانه خود، توانستند ثمره پیکار خود را لمس کنند؛ سندیکای مستقل کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی و حومه ثمره این تلاش و رزم پیگیرانه و بسیار دشوار قلمداد می گردد. بنا به گزارش های انتشار یافته، هزاران نفر از کارگران و کارکنان شرکت واحد، در تاریخ ۱۳ خرداد ماه ۱۳۸۴، در محل سندیکای نانوایان واقع در میدان حسن آباد تهران، گرد آمدند و با تشکیل یک مجمع عمومی، پس از تصویب اساسنامه سندیکا، هیات مدیره و بازرسان سندیکا را در جوی سرشار از امید و شادی و براساس موازین دموکراتیک انتخاب کنند و به این ترتیب پس از بیش از دو دهه، نخستین سندیکای کارگری احیا و آغاز به فعالیت کرد!

ارتجاع و عوامل پنهان و پیدای آن و ارگان های وابسته و واپس مانده ای چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به ویژه در دو سال اخیر، تمام امکانات خود را بکار گرفتند، تا مانع از فعالیت هیات موسسان سندیکاها شده و امر خطیر احیای حقوق سندیکایی و ایجاد و بازسازی سندیکاهای مستقل را عقیم و ناکام سازند. این تلاش های مذبحخانه، در اثر مبارزات خستگی ناپذیر زحمتکشان و مجموعه عوامل عینی و ذهنی دیگر با شکست روبرو شد و اکنون ارتجاع برای مهار و خنثی سازی جنبش سندیکایی برنامه های دیگری را تدارک دیده و به اجرا می گذارد.

هم زمانی حوادث سرنوشت ساز سیاسی کشور با ایجاد نخستین سندیکای مستقل کارگری به هیچ رو تصادفی نیست. ما همواره تاکید کرده ایم مبارزات جنبش کارگری ایران، و از جمله مبارزه برای احیا حقوق سندیکایی، بخشی از پیکار سراسری جنبش دموکراتیک کنونی مردم میهن ماست که در راه آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه مبارزه می کند. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از سویی بر اثر تحولات سیاسی و رشد مبارزات، امکان سازماندهی و ارتقاء سطح همبستگی میان خود را می یابند و از دیگر سو، با مبارزات خود سهم شایسته یی در گسترش و ژرفش جنبش سراسری ایفا می کنند و بی جهت نیست ستون فقرات جنبش مردمی محسوب می گردند. هم اکنون نیز بخش مهمی از توان و امکانات جنبش به حضور فعال و آگاهانه زحمتکشان به ویژه طبقه کارگر ایران بستگی دارد.

باید یادآوری کنیم با توجه به اوضاع حاکم بر کشور و آرایش سیاسی کنونی مسأله احیای حقوق سندیکایی و بازسازی و ایجاد سندیکاها از اهمیتی حیاتی برخوردار است، زیرا به اعتقاد ما یکی از جنبه های مهم و حیاتی شکل صنفی زحمتکشان (سندیکا) علاوه بر تامین خواست های صنفی - رفاهی یعنی منافع اقتصادی و صنفی مجموعه مزدبگیران، نیاز مبرم طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان به تامین خواست های دموکراتیک عام نظیر آزادی فعالیت انجمن ها و نهادهای دموکراتیک احزاب و آزادی اندیشه، قلم و بیان و به طور کلی تامین حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی است. این نکته یی بس با اهمیت

که فعالین سندیکایی نباید از آن غافل باشند. به عبارت دقیق تر این وظیفه یی مبرم و انکار ناپذیر است.

ایجاد نخستین سندیکای مستقل، پیامدهایی در میان دیگر مزدبگیران کشور نیز داشت که بسیار امیدوار کننده است. روزنامه شرق، در شماره ۱۶ خرداد ماه امسال، در مطلبی در خصوص اهمیت سندیکا و شکل صنفی برای همه مزدبگیران از جمله چنین نوشت: «معلمان و سندیکاها، برای هر گروه و صنف اجتماعی داشتن انجمن، کانون یا سندیکای صنفی یک ضرورت است... معلمان ایران نیز که گروه بسیار بزرگ و قدرتمندی از گروه های اجتماعی هستند، نیازمند به کانون ها و تشکیلات صنفی دقیق و منضبط و اعضا و مسئولانی دلسوز هستند. به رغم احترام اجتماعی و موقعیت ممتازی که معلمان دارند، تا حال هیچ مسئولی به خواسته های آنان توجهی نکرده است و بسیاری از خواسته های این گروه عظیم بی پاسخ مانده است.» مقاله سپس نتیجه می گیرد زمان تشکیل سندیکای معلمان فرارسیده و می افزاید: «پس امروز آنان ضرورت داشتن تشکیلات های اجتماعی و صنفی را بیش از هر زمان دیگری حس می کنند.»

به این ترتیب خواست احیای حقوق سندیکایی، خواست به حق و مبرم مجموعه زحمتکشان فکری و یدی کشور است.

براساس همین واقعیت است که حزب ما با استقبال از ایجاد نخستین سندیکای مستقل کارگری و معرفی آن به عنوان یک پیروزی در خور توجه و پُراهمیت برای زحمتکشان بار دیگر تاکید جدی دارد که فعالیت سازمان سندیکایی در صورتی ثمربخش و کارآمد خواهد بود که با توده زحمتکشان در هر کارگاه و کارخانه و موسسه یی اعم از تولیدی، خدماتی و جز اینها پیوند محکم و صمیمانه و بسیار نزدیک داشته باشد. فقط و فقط از این راه یعنی ارتباط با زحمتکشان، سندیکا می تواند بعنوان یک تشکیلات پایه ای طبقه کارگر از خواست های به حق مطلع شده و در راه آنها پیگیرانه مبارزه کند.

به علاوه اصول تشکیلاتی سندیکایی ایجاب می کند که اعضای سندیکاها و مجموعه زحمتکشان موسسه ها و کارگاه ها در جریان فعالیت منتخبان خود قرار بگیرند و این مسأله مانع از آن خواهد شد، دولت یا کارفرمایان سندیکاها و رهبران سندیکایی را فریب داده و فعالیت سندیکایی را خنثی و در مجرای غیر اصولی قرار دهند.

جنبش کنونی سندیکایی کارگران و زحمتکشان میهن ما، جدا از تاریخ پُرافتخار آن نیست. شایسته است، کارگران پیشرو و فعالان سندیکایی ادامه دهنده این سنت های ارزشمند با توجه به شرایط فعلی و امکانات موجود باشند. ایجاد نخستین سندیکای مستقل کارگری گامی ارزشمند و دستاوردی مهم محسوب می شود که باید با توجه به امکانات موجود پیگیری شود. اصل اساسی فعالیت سندیکایی و چارچوب آن منشور حقوق سندیکایی، منشور حقوق بشر و مقاله نامه های معتبر سازمان بین المللی کار است.

حزب توده ایران، به عنوان حزب طبقه کارگر ایران، مبارزه خستگی ناپذیر زحمتکشان میهن را در راستای تحقق حقوق سندیکایی خود به دیده تحسین می نگرد و همه مساعی و امکانات خود را برای ارتقاء و قوام آن چون همیشه به کار می گیرد.

ادامه گزارشی از کنفرانس سالانه سازمان ...

مقاله ای تحت عنوان «مبارزه سندیکائی در ایران به قیمت جان و سلامتی انجام می شود!» به توضیح کارزار ماه های اخیر فعالان کارگری ترقی خواه کشور برای ایجاد سندیکا های مستقل و بهایی که برای آن می پردازند، پرداخته است. مقاله گوشه های متنوعی از مبارزه کارگران آگاه کشورمان را در مراسم اول ماه مه، در سالن ۱۲۰۰۰ نفری «استادیوم آزادی»، کوشش برای برگزاری جلسه عمومی سندیکای «شرکت واحد اتوبوس رانی تهران»، در اردیبهشت ماه و حمله چماقداران و اوباش مزدور «شوراهای اسلامی کار» و «خانه کارگر» به این کوشش ها را توضیح می دهد. ترجمه این مقاله در شماره آینده «نامه مردم» منتشر خواهد شد.

یکی از مهمترین جنبه های کنفرانس سالانه «سازمان جهانی کار»، که برای سه هفته در خرداد ماه، در ژنو برگزار شد بررسی مسئله نقض مستمر حقوق کارگری توسط ارگان های مسئول رژیم و انتقاد شدید این مهمترین ارگان بین المللی مسائل مربوط به «بازار» و نیروی کار از آنان بود. مجمع حکام (رهبری) «سازمان جهانی کار» در جریان کنفرانس امسال ۳۳۷مین گزارش کمیته مسئول بررسی مسائل مربوط به آزادی تشکل را مورد بررسی و تصویب قرار داد. کمیته مزبور در آخرین نشست پیش از کنفرانس ۳۵ پرونده، درباره نقض آزادی تشکل را بررسی کرده و به ویژه پرونده های ۵ کشور و از جمله کلمبیا و جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داد. کمیته در رابطه با جمهوری اسلامی ایران به موارد حمله نیروهای امنیتی دولتی به کارگران، در مقاطع مختلف که منجر به دستگیری و تعقیب قانونی برخی از فعالین کارگری و سندیکائی شده است، اظهار نگرانی کرد. کمیته خواستار آن شد که دولت جمهوری اسلامی تضمین کند که تمامی اتهاماتی که بر ضد فعالان سندیکائی در رابطه با سازماندهی و شرکت در راه پیمایی اول ماه مه سال ۲۰۰۴، در مراکز قضایی مطرح است، فوراً لغو نماید. کمیته همچنین خواستار آن شد که دولت اطلاعات دقیقی را درباره اتهامات مشخصی که بر ضد فعالان سندیکائی مطرح است، به این کمیته ارائه کند.

در رابطه با پرداخت به موقع دستمزدها!

کنفرانس «سازمان جهانی کار» امسال همچنین در جریان بررسی کنوانسیون ۹۵ مربوط به «حفاظت از دستمزدها» که در سال ۱۹۴۹ به تصویب رسیده و کشور ایران در سال ۱۹۷۲ آنرا امضاء کرده، به شکایات «کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد» و «کنفدراسیون جهانی کار»، در سه سال اخیر، در رابطه با عملکرد جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کرد. این دو ارگان سندیکائی معتبر جهانی از سال ۲۰۰۲ تاکنون شکایات متعددی را در رابطه با «عدم پرداخت مستمر و جدی دستمزدها» در ایران مطرح کرده اند. شکوائیه مطروحه اعلام می کند که «وضعیت در سراسر ایران اسفناک است» و در مقابل اعتراض های کارگران رژیم به «شیوه های خشن» متوسل می شود. در میان انبوه اسناد ارائه شده به کمیته، از سوی دو مرکز سندیکائی جهانی، اشاره شده است که «تاخیر در پرداخت حقوق ها غالباً بین سه تا ۹ ماه و در برخی موارد تا دو سال ادامه پیدا می کند».

کمیته همچنین در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران و اسنادی در ارتباط با «وضعیت بحرانی ۱۴۰۰ شرکت که عمدتاً در بخش نساجی فعالیت می کنند، و شرایط وخیم زندگی حدود ۸۰/۰۰۰ کارگر که حقوقشان پرداخت نشده است»، از طریق سازمان

ملل متحد دریافت کرده است.

کمیته با اشاره به پاراگراف ۱۲ کنوانسیون ۹۵، از دولت ایران درخواست کرد که در اولین فرصت گزارشی در مورد قوانین و مقررات رسمی، مخصوصاً در رابطه با تضمین اجرای قوانین و مصوبه ها، که پرداخت به موقع و تمام و کمال حقوق ها و همچنین تصفیه همه حقوق های معوقه را می پوشاند، تسلیم آن کند. کمیته همچنین از دولت جمهوری اسلامی درخواست کرد که نسخه همه قوانین و مصوبه های قانونی و رسمی در این رابطه را با آن تسلیم نماید.

قطعنامه در حمایت از مبارزه کارگران ایران برای تشکیل سندیکا های مستقل!

بیست و یکمین اجلاس شورای عمومی «مرکز جهانی حقوق سندیکائی» با علاقه فراوان تحولات دلگرم کننده اخیر در رابطه با تاسیس اتحادیه کارگری مستقل توسط کارگران ایران مورد توجه قرار می دهد. شورا به ویژه از این امر خرسند است که گزارش های دریافتی مبنی بر آن است که پس از ماه ها دشواری و مشکلات فعالان سندیکائی موفق شدند با تشکیل اجلاس عمومی اعضای «سندیکای کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران»، در روز ۱۳ خرداد ماه، اساسنامه سندیکا را به تصویب رسانده و هیئت اجراییه آن را انتخاب و فعالیت های رسمی و علنی خود را آغاز کنند. اطلاعات تسلیم شده به شورا مشخص می کند که برای اولین بار پس از سال های آغازین دهه ۱۹۸۰ این امکان بوجود آمده است که اتحادیه کارگری مستقلی آغاز به کار نماید.

شورا نگران این مسأله است که مقام های رسمی ایران به آزار و اذیت، تهدید و سرکوب کارگرانی که در صدد تاسیس سندیکاهای مستقل خود هستند، ادامه دهد.

مقام های رسمی ایران همچنان با اتکاء به ماده ۶ قانون کار کنونی این کشور، فقط «شورا های اسلامی کار»، یعنی ساختارهای سه جانبه ای که بر اساس مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی عمل می کند، را به عنوان تنها ساختار های نمایندگی کارگران به رسمیت می شناسند و این امر در تقابل با قوانین بین المللی حامی حق تشکل کارگران است. شورا خود را متعهد می داند که از همه کوشش های کارگران ایران برای تاسیس اتحادیه های کارگری آزاد و مستقل بر پایه اصول مندرج در کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸ «سازمان جهانی کار» حمایت کند.

کمک های مالی رسیده

به یاد شاعر ماه مه شهید حسن حسین پور ۶۰ دلار
به یاد همه شهیدان حزب ۶۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 715
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

21 June 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک